

آمریکا با دندهٔ معکوس غنی‌سازی صفر، مذاکرات را به اغما فرستاد

بازی صفر هیچ ترامپ



گفت‌وگوی تلفنی اخیر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، در میانه مذاکرات حساس هسته‌ای، پرده از عمق اختلافات و فشارهای فزاینده بر تهران برداشت. عراقچی با تأکید بر تعهد ایران به دیپلماسی برای حل بحران ساختگی پیرامون برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز کشور، موفقیت این مسیر را منوط به اراده جدی و واقع‌بینی طرف مقابل دانست.

او به‌صراحت اعلام کرد ایران، به‌عنوان عضو معاهده منع اشاعه هسته‌ای (NPT) ضمن پابندی به تعهدات خود، بر حق ملت ایران برای بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای، به‌ویژه غنی‌سازی برای مقاصد صلح‌آمیز، اصرار دارد. این موضع قاطع، پاسخی مستقیم به اظهارات تحریف‌شده مقامات آمریکایی است که اخیراً پیشنهاد کرده‌اند ایران باید مواد غنی‌شده مورد نیاز خود تا ۳/۶ درصد را وارد کند، نه اینکه خود تولید کند.

عراقچی همچنین با اشاره به بدعهدی‌های تاریخی طرف‌های مقابل، تأکید کرد هرگونه توافق باید متوازن، منصفانه و پایدار باشد و از طرح خواسته‌های فراقانونی یا مغایر با NPT اجتناب شود. او رفتارهای متناقض مقامات آمریکایی، ازجمله اعمال تحریم‌های جدید و تهدیدهای مکرر را عاملی برای تعمیق بی‌اعتمادی ایران به نیت دیپلماتیک واشنگتن دانست.

همزمان، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در مراسم روز ملی دعا در کاخ سفید بار دیگر تهدید کرد هر کشوری که از ایران نفت بخرد، از تجارت با آمریکا محروم خواهد شد. این اقدامات، همراه با ادعاهای رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مبنی بر توانایی ایران برای ساخت چندین بمب اتمی، فشارها بر تهران را در مذاکرات تشدید کرده است. عراقچی با اشاره به گفت‌وگوهای اخیر با سه کشور اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلیس)، بر آمادگی ایران برای تعامل سازنده تأکید کرد، اما هشدار داد موفقیت این روند به رویکرد غیرتقابل و واقع‌بینانه طرف‌های مقابل بستگی دارد. این مواضع، عزم ایران برای حفظ خطوط قرمز خود، از جمله ردغنی‌سازی صفر و مقاومت در برابر فشار برای واردات مواد غنی‌شده را در برابر خواسته‌های فزاینده بین‌المللی نشان می‌دهد.

■ ■ ■

■ مذاکرات در برزخ؛ نه شکست، نه توافق

مذاکرات غیر مستقیم ایران و آمریکا در نقطه‌ای مبهم قرار دارد؛ نه می‌توان آن را شکست‌خورده دانست و نه آنکه به نتیجه‌ای ملموس رسیده باشد. این وضعیت گمانه‌زنی‌های خوشبینانه‌ای مانند یادداشت محمد قوچانی در روزنامه سازندگی را-که از «سورپرایز اردیبهشت» و نزدیکی توافق سخن گفته بود- به چالشی جدی کشانده است.

او در تحلیل خود مدعی بود سرعت مذاکرات، مخالفان توافق، به‌ویژه اپوزیسیون ایران و رسانه‌هایشان را غافلگیر کرده و دونالد ترامپ با مهار اسرائیل و اولویت‌بندی پرونده ایران نسبت به مسائل اوکراین و فلسطین، در پی دستیابی به توافقی خارجی برای تحقق وعده‌های انتخاباتی خود است. او حتی تعبیر «سورپرایز بهار» و «سورپرایز اردیبهشت» را به کار برده بود، برخلاف پیش‌بینی‌های قوچانی، «سورپرایز اردیبهشت» به تشدید مواضع



ضدایرانی آمریکا تبدیل شد. علاوه بر تعویق مذاکرات دور چهارم، اظهارات تند دونالد ترامپ، همراه با اعمال دو دور تحریم جدید علیه صادرات نفت ایران از زمان آغاز مذاکرات، نشان‌دهنده چرخشی تقابلی در رویکرد واشنگتن است.

همچنین درحالی‌که برخی رسانه‌ها کنار گذاشته شدن مایک والترز از سمت مشاور امنیت ملی را با تیتیر کنار گذاشته شدن چهره تندرو ضرب می‌دهند. رویبو، وزیر خارجه آمریکا که او هم مواضع تندی علیه ایران داشته و ایده واردات سوخت هسته‌ای را مطرح کرده با حفظ سمت در وزارت خارجه جای والترز نشسته تا خوش‌خیالی‌ها در مورد اینکه تغییرات آمریکا به نفع ایران است، خنثی شود. این تحولات، پیش‌بینی‌های خوشبینانه از توافق قریب‌الوقوع را به حاشیه‌راند و نشان می‌دهد آمریکا تنها به‌دنبال رفع زوذهنگام تحریم‌ها نیست، بلکه با طرح موضوعات غیرهسته‌ای، مانند اتهامات منطقه‌ای علیه ایران، مذاکرات را به سمتی پیچیده‌تر هدایت می‌کند. در این میان، ذوق‌زدگی برخی تحلیلگران داخلی از احتمال توافق، می‌تواند افکار عمومی را به انتقار غیرواقعی سوق دهد و تیم مذکوره‌کننده ایرانی را در برابر طرف آمریکایی تضعیف کند.

اظهارات محتاطانه سیدعباس عراقچی پس از دور سوم مذاکرات در عمان که بر نگاه محتاطانه ایران تأکید داشت و همچنین بیانیه وزارت خارجه که پس از اعمال دور جدیدی از تحریم‌ها در مورد «سوءظن به جدیت آمریکا» نوشته‌شده بود، هشداری به این خوشبینی‌های زودهنگام است. این وضعیت نشان می‌دهد مذاکرات همچنان در برزخی از ابهام به سر می‌برد و هرگونه ارزیابی قطعی، چه خوشبینانه و چه بدبینانه، نیازمند دقت بیشتری است.

■ تلاش برای گسترش مذاکرات به موضوعات غیرهسته‌ای مشهود است

تحولات اخیر در مذاکرات هسته‌ای ایران، به‌ویژه اقدامات و اظهارات مقامات آمریکایی، نشان‌دهنده استراتژی پیچیده واشنگتن برای تشدید فشار بر تهران

هم‌افزایی دیپلماسی و میدان، عراق را به اجرای قاطع تعهدات امنیتی با ایران واداشت

شطرنج امنیت در سلیمانیه



اخیراً نیروهای امنیتی استان سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق به گروهک‌های ضدایرانی، از جمله حزب کومله، هشدار داده‌اند که مقرهای خود در مناطق «زرگویر»، «بانه‌گوره» و «کوله‌ره‌ش» را ظرف ۱۰ روز تخلیه کنند. این اخطار با تهدید به استفاده از زور در صورت عدم تمکین همراه بوده است. این اقدام، بخشی از اجرای توافق امنیتی میان ایران و عراق است که در اسفند ۱۴۰۱ به امضا رسید و هدف آن محدود کردن فعالیت گروه‌های مسلح مخالف ایران در خاک عراق است. از سوی دیگر ایران در سال‌های اخیر و در مقاطع مختلف، عملیات‌های موقی در قلع و قمع گروهک‌های تروریستی مستقر در نزدیکی مرز ایران داشته است. این اتفاق، نمونه‌ای برجسته از هماهنگی موفق میان دیپلماسی و اقدامات میدانی ایران است که از یک سو با مذاکرات گسترده با دولت عراق و از سوی دیگر با عملیات نظامی هدفمند در اقلیم کردستان همراه بوده است. عملیاتی شدن هشدار سلیمانیه و سرکوب گروهک‌های ضدایرانی در عراق می‌تواند این فرصت را در اختیار دستگاه‌های دیپلماسی و امنیتی قرار دهد تا با پیاده‌سازی این الگو در دیگر نقاط تروریستی منطقه، تهدیدات امنیتی علیه ایران را در نقطه خفه کنند.

■ ■ ■

■ تروریست‌ها بی‌خانمان شدند؟

چنانکه گفته شد و بر اساس گزارش پایگاه خبری «المطلع»، نیروهای امنیتی سلیمانیه به گروهک‌های ضدایرانی، به‌ویژه حزب کومله، دستور داده‌اند تا مقر های خود در سه منطقه زرگویر، بانه‌گوره و کوله‌ره‌ش را تخلیه کنند. «امجد حسین پناهی»، یکی از اعضای کومله، تأیید کرده است که این اخطار به‌صورت رسمی ابلاغ شده و در صورت عدم تخلیه، نیروهای امنیتی از زور برای تخلیه این مقرها استفاده خواهند کرد. سرهنگ «سلام عبدالخالق»، سخنگوی نیروهای امنیتی سلیمانیه، این اقدام را در راستای اجرای توافق امنیتی میان بغداد و تهران عنوان کرده و اظهار داشت که مهلت اولیه برای تخلیه این مقرها از ابتدای ماه میلادی جاری (مه ۲۰۲۵) به پایان رسیده بود. با این حال به دلیل حضور خانواده‌ها در این مقرها، این مهلت چندین بار تمدید شد و اکنون گروهک‌ها تنها ۱۰ روز فرصت دارند تا به اردوگاه «سوداش» منتقل شوند.

همزمان، دولت مرکزی عراق با صدور دستوری رسمی فعالیت‌های تمامی احزاب و گروه‌های مخالف ایران در خاک این کشور را ممنوع اعلام کرده است. این دستور شامل تعطیلی دفاتر این گروه‌ها و جلوگیری از فعالیت‌های نظامی، رسانه‌ای و سیاسی آن‌ها به‌ویژه در اقلیم کردستان می‌شود. نظارت

در ابعاد مختلف است. ترامپ در مراسم روز ملی دعا در کاخ سفید، با اعلام تحریم‌های جدید علیه صادرات نفت ایران، صراحتاً موضعی تقابلی اتخاذ کرد. او اظهار داشت: «هرکسی که از ایران نفت بخرد، اجازه تجارت با آمریکا را نخواهد داشت.»

این موضع که در شبکه اجتماعی تروث سوشال با تأکید بر توقف فوری خرید نفت و محصولات پتروشیمی ایران و تهدید به تحریم‌های ثانویه تکمیل شد، در راستای اجرای همان راهبرد اتخاذ شده که ترامپ پس از انتخاب به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در یادداشتش اجرایی ضدایرانی خود به آن اشاره کرده بود. همچنین هم‌زمان با این اظهارات دومین دور تحریم‌های ضدایرانی از زمان آغاز مذاکرات غیرمستقیم نیز اعمال شد. این تحریم‌ها که در بحبوحه مذاکرات اعمال شدند، نشانه‌ای از عدم جدیت کافی آمریکا در پیگیری دیپلماسی و تلاشی در راستای تضعیف موقعیت اقتصادی ایران است. پیش از این هم رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ادعای جنجالی مبنی بر اینکه ایران اورانیوم غنی‌شده کافی برای ساخت «۶ تا ۷ بمب اتمی» در اختیار دارد، صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را زیرسؤال برد. این اظهارات که به نظر می‌رسد با هماهنگی واشنگتن مطرح شد، دو هدف اصلی را دنبال می‌کند؛ نخست، افزایش فشار روانی و دیپلماتیک بر ایران در مذاکرات و دوم، فراهم کردن زمینه برای اقدامات احتمالی مانند فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط کشورهای اروپایی. این ادعاها، درکنار تحریف مواضع اولیه رابرت ویکاف، مذاکروه‌کننده ارشد آمریکایی، پیچیدگی مذاکرات را دوچندان کرده است.

ویتسکاف پس از دور اول مذاکرات تلویحاً حق ایران برای غنی‌سازی تا ۳/۶ درصد را به رسمیت شناخته بود، اما مبارک رویبو، این موضع را به‌سرعت تحریف کرد و مدعی شد منظور ویکاف این بوده که ایران باید مواد غنی‌شده مورد نیاز خود را وارد کند، نه اینکه خود تولید کند. علاوه بر مسائل هسته‌ای، آمریکا با طرح اتهامات منطقه‌ای، مذاکرات را به حوزه‌های غیرهسته‌ای کشانده است.

■

پیٹ هگست، وزیر دفاع آمریکا در شبکه اجتماعی ایکس، اقدامات نظامی اخیر یعنی‌ها در تقابل با آمریکا را به ایران نسبت داد و تهدید کرد: «شما تاوان این حمایت را در زمان و مکانی که ما انتخاب می‌کنیم، خواهید داد.» بازنشر این توییت توسط ویکاف باعث شد روایت‌سازی‌های برخی گروه‌های داخلی برای سفیدشویی نماینده ترامپ در خاور میانه و اهل تعامل نشان دادن او تا حد زیادی به شکست بینجامد.

هگست همچنین با بازنشر پیامی قدیمی از ترامپ، ایران را مسئول اقدامات یمن دانست. طرح این اتهامات، به‌ویژه در زمانی که مذاکرات در مرحله حساسی قرار دارد، ایران را در موضع دفاعی قرار داده و مذاکرات را به سمتی هدایت می‌کند که عملاً تهران را تحت‌فشار برای پذیرش شرایط سخت‌تر قرار دهد.

این اقدامات چندجانبه، از تحریم‌های اقتصادی و تهدیدهای نظامی گرفته تا ادعاهای هسته‌ای و اتهامات منطقه‌ای، نشان‌دهنده استراتژی آمریکا برای کشاندن مذاکره به موضوعاتی فراتر از بحث هسته‌ای است. اظهارات محتاطانه سیدعباس عراقچی و تأکید وزارت خارجه ایران بر سوءظن به جدیت آمریکا، نشان از آگاهی تهران به این فشارها و عزم آن برای حفظ خطوط قرمز خود، ازجمله حق غنی‌سازی و رد دخالت در مسائل نظامی و منطقه‌ای دارد.

■ خطوط قرمز ایران در مذاکرات پاک نمی‌شود

ایران از ابتدا سه خط قرمز کلیدی را به‌صراحت اعلام کرده بود؛ نخست رد غنی‌سازی صفر که به معنای از بین بردن دانش و توان غنی‌سازی برای مقاصد صلح‌آمیز است؛ دوم جلوگیری از تغییر ماهیت مذاکرات از «رفع تحریم هسته‌ای» به «رفع تهدید هسته‌ای» و سوم عدم ورود به بحث‌های نظامی و موشکی. اظهارات اخیر مقامات آمریکایی پس از دور سوم مذاکرات در مسقط، نشان می‌دهد که آمریکا به هر سه این حوزه‌ها سرک کشیده و با طرح خواسته‌های فراتر از توافق هسته‌ای، سعی در تحت‌فشار قرار دادن ایران دارد. این رویکرد را که در مواضع علنی مقامات آمریکایی نیز بازتاب یافته شناسید بتواند در تغییر لحن وزیر خارجه عمان نیز مشاهده کرد. بدر البوسعیدی پس از دور دوم مذاکرات طی تویییتی از شتاب مذاکرات گفته و نوشته بود: «مذاکرات میان آمریکا و ایران شتاب گرفته و آنچه غیر محتمل بود، اکنون امکان‌پذیر شده است.»

او اما پس از دور سوم تویییتی خنثی را منتشر کرد که هیچ‌نشانه‌ای از اقبال‌های پیشین در آن نبود: «مذاکرات امروز ایران و آمریکا، تلاش مشترکی را برای دستیابی به توافقی مبتنی بر احترام متقابل و تعهدات پایدار مشخص کرد.» طرح اتهامات منطقه‌ای و نظامی توسط مقامات آمریکایی، مانند اظهارات پیٹ هگست، وزیر دفاع که ایران را تهدید به اقدام نظامی کرد، نشان‌دهنده تلاش برای ورود به حوزه نظامی و موشکی ایران است.

این رویکرد که با بازنشر پیام‌های تهدیدآمیز توسط دیگر مقامات آمریکایی تقویت شده، نقض آشکار خطوط قرمز سوم ایران است. چنین اقداماتی مذاکرات را از چهارچوب هسته‌ای خارج کرده و به سمت خواسته‌های گسترده‌تر سوق خواهد داد. ایران با تکیه بر این خطوط قرمز، از حقوق هسته‌ای خود دفاع می‌کند و در برابر تلاش‌های آمریکا برای تحمیل شرایط فراتر از توافق هسته‌ای مقاومت می‌کند. این رویکرد محتاطانه که ریشه در تجربیات تلخ گذشته دارد، نشان‌دهنده عزم تهران برای دستیابی به توافقی متوازن و پایدار است که منافع ملی را تضمین کند، بدون آنکه به فشارهای خارجی تن دهد.

■

■

■

در جریان این سفر، پزشک‌کیان با مقامات اقلیم، از جمله مسعود بارزانی، رئیس حزب دموکرات کردستان عراق، دیدار کرد. بارزانی در گفت‌وگو با شبکه عرب‌زبان «شمس» این دیدار را «عالی» توصیف کرد و از صمیمیت پزشک‌کیان و توانایی او در صحبت به زبان کردی به شکلی شبیه به زبان مادری‌اش تمجید کرد.

بارزانی تأکید کرد که روابط ایران و عراق، از جمله اقلیم کردستان، باید بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک استوار باشد. این دیدار به‌عنوان نشانه‌ای از تمایل اقلیم کردستان به تقویت همکاری با ایران و کاهش تنش‌های ناشی از فعالیت گروهک‌های ضدایرانی تلقی شد. این دیدار با نقدهایی نیز مواجه شد. برخی گروه‌های سیاسی، معتقد بودند که دیدار با بارزانی که حزبش در گذشته روابط پیچیده‌ای با گروهک‌های ضدایرانی داشته، می‌تواند خطر ساز باشد و پیام‌هایی ضدامنیتی داشته باشد.

از سوی دیگر، حملات نظامی نقطه‌زن و هدفمند مذکور ایران به پایگاه‌های گروهک‌ها در اقلیم کردستان، پیام‌روشنی به این گروه‌ها و حامیان آن‌ها ارسال کرد که ایران در تأمین امنیت ملی خود قاطعانه عمل خواهد کرد. این حملات همراه با هشدارهای مکرر ایران به دولت عراق باعث شد که بغداد و اقلیم کردستان اجرای توافق امنیتی را تسریع کنند. نتیجه این هماهنگی، صدور دستور تخلیه مقرها توسط نیروهای امنیتی سلیمانیه و ممنوعیت فعالیت‌های گروهک‌ها در خاک عراق است. این الگو که ترکیبی از مذاکرات منطقه‌ای و اقدامات نظامی قاطعانه است، نشان‌دهنده رویکردی هوشمندانه از سوی ایران بود. دیپلماسی، با ایجاد اجماع با دولت عراق و جلب همکاری آن، هزینه‌های سیاسی و بین‌المللی اقدامات ایران را کاهش داد، در حالی که عملیات نظامی، قدرت بازاردنگی ایران را به نمایش گذاشت و گروهک‌ها را در موضع ضعف قرار داد.

■ «سلیمانیه» و یک الگوی موفق

هشدار امنیتی سلیمانیه و اجرای توافق ایران و عراق، می‌تواند راهبردی برای تقویت همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای باشد. تجربه موفق ایران در جلب همکاری عراق برای مقابله با گروهک‌های ضدایرانی، نشان‌دهنده ظرفیت دیپلماسی فعال و مبتنی بر منافع مشترک است. ایران در بلندمدت می‌تواند این مدل را در تعامل با دیگر کشورهای منطقه که با تهدیدات مشابه گروه‌های مسلح مواجه هستند، گسترش دهد. ایجاد یک چهارچوب همکاری امنیتی منطقه‌ای، با تمرکز بر مبارزه با گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب، می‌تواند به کاهش تنش‌های مرزی و تقویت ثبات در خاور میانه کمک کند. دستگاه‌های دیپلماسی و امنیتی می‌توانند در این راستا از تجرب به‌کمیت مشترک با عراق و اقلیم کردستان برای پیش نهاد مکانیزم‌های مشابه در سطح منطقه‌ای استفاده کنند، که نه تنها تهدیدات گروهک‌ها را خنثی می‌کند، بلکه جایگاه ایران را به‌عنوان یک بازیگر مسئول در امنیت منطقه‌ای تقویت می‌سازد.